

حِرس و **آزمندگی** از **زادایل اخلاقی است و بسیاری از بدبختی‌های بشر در دنیا و آخرت به این مسئله بازمی‌گردد، شناخت و دانستن راه‌های رهایی از این صفت زشت اخلاقی امری بایستنه و شایسته است. نویسنده در این مطلب با مراجعه به آموزه‌های قرآنی بر آن است تا ضمن ریشه‌یابی منشأ پیدایش حرص، راه‌های درمان و موانع ایجاد آن را تبیین کند.**

وقتی به پیرامون خود می‌نگریم در می‌یابیم که حرص و آز، ما و دیگران را به چه کارهایی که وانمی‌دارد. انواع خطر کردن‌ها، ظلم و ستم به دیگران، حق‌خوری‌ها، بی‌عدالتی‌ها، غارت و چپاول اموال، رشوه و ربا و اختلاس، حرام‌خواری‌ها، انواع اقسام گناهان و جرم‌ها ریشه در حرص آدمی دارد. خساست، بخل و بسیاری دیگر از ذرایل اخلاقی نیز از این صفت آدمی برمی‌خیزد.

این پستی و زدالت اخلاقی موجب می‌شود که آدمی همیشه درحال شعارش ثروت، تکاثر اموال و مانند آن باشد و از خودخوری تا زمین‌خواری

را در خود گرد آورد. شگفت اینکه با این همه فشاری که آزمند تحمل می‌کند، جان به جان آفرین تسلیم نمی‌کند؛ زیرا هر موجود دیگری این همه فشار بر او وارد می‌شد، نیست و نابود می‌شد، ولی انسان آزمند از چنان آسنانه تحمل و صبر بالایی برخوردار است که زنده می‌ماند و به زندگی انگلی خود ادامه می‌دهد.

فرق حرص با طمع

حرص با طمع این فرق را دارد که طمع نوعی امید شدید به دست‌یابی به چیزی است، وقتی نفس انسانی به چیزی گرایش شدیدی داشته باشد، آن را طمع می‌گویند.
خداوند می‌فرماید وقتی رعد و برقی در آسمان دیده می‌شود، موجب خوف و طمع در آدمی می‌شود؛ خوف اینکه بلایی باشد و طمع و امید شدید به این که بارانی همراه داشته باشد که برکات آن به آنان می‌رسد. (رعد، آیه ۱۲، روم، آیه ۲۴)

انسان‌های مومن عبادت‌هایشان با سه نوع گرایش خوف و طمع و حب انجام می‌گیرد. آنانی که سختی تهجد، نماز شب، دعا و اعمال دیگر احسانی را بر خود هموار می‌سازند، دارای خوف و طمع هستند. (سجده، آیه ۱۶، اعراف، آیه ۵۶)

راغب اصفهانی می‌نویسد که طمع در لغت به معنای تمایل نفس به چیزی از روی آزمندگی شدید است. (راغب، المفردات فی‌غریبالقرآن، تحقیق: دودی، صفوات عدنان، ص ۵۴)

اما حرص در فارسی به آن از دارنده آن صفت را آزمند می‌گویند، صفتی است که با خشونت همراه است، با نگاهی به کاربردهای واژه حرص مانند حرص حرم‌ها جلبد، پوست کندن، با: حرص القصار الثوب: گازر جمله را از زیادی کوبیدن و شستن پاره کرد، دانسته می‌شود که آزمندی در ذات خود نوعی از خشونت را داراست.

پس حرصی کسی است که به شدت به مال یا دارا شدن چیزی همراه با خشونت و شدت گرایش دارد. البته شکی نیست که این شدت گرایش سسرانجام به افراط و زیاده‌خواهی می‌انجامد. (نگاه کنید: مفردات الفاظ قرآن کریم، ص ۲۲۷، «حرص»)

واژه طمع و مشتقات آن دوازده بار در قرآن به کار رفته است. واژه حرص نیز چند بار در آیات ۹۶ سوره بقره، ۱۲۹ سوره نساء، ۱۰۳ سوره یوسف، ۱۲۸ سوره توبه و ۳۷ سوره نحل استعمال شده است. البته مفهوم بیش گشته از حرص را می‌توان در کاربرد واژه‌های دیگری چون «هلوع» و نیز از جمله‌هایی همانند «تحبون المال حبا جما» و «لن تحب الخیر لئسددید»، «جمع مالا و عده» و «کاللون لئسحت» و مانند آن به دست آورد. در حقیقت این جمله‌ها همان مفهوم حرص و آز را بیان می‌کنند.

آثار حرص و آزمندی

چنانکه گفته شد، حرص یک درجه از طمع بالاتر است؛ به این معنا که انسان حرصی حتما انسانی طماع است، اما هر طمع‌کاری، انسان حرصی نیست.

خداوند برای انسان حرصی نشانه‌هایی بیان کرده که می‌توان آن را از آثار حرص و آز دانست. از جمله این آثار می‌توان به بخل‌ورزی و خودداری از رسیدن خیر به دیگران (معارج، آیات ۱۹ و ۲۱، عبادیات، آیه ۸)، جزع و کسردن و بی‌صبری در برابر بدیها (معارج، آیات ۱۹ و ۲۰، زراندوزی و ناپايش تروت (معارج، آیات ۱۸ و ۱۹) عیب‌جویی و تحقیر مردم (مزمه، آیات ۱ و ۲)، نادیده گرفتن احکام الهی و حکم نکردن براساس آن (مانند، آیات ۴۲ تا ۴۳)، حرام خواری (همان، چشمداشت به مال و حقوق دیگران به خاطر بخل شدید (حشر، آیه ۹؛ تباين، آیه ۱۶)، خوردن مال یتیم و بی‌ارزش نگاشتن یتیمان و دست‌انزاری به ارباب آنان (فجر، آیت ۱۷ و ۲۰)، تحریف احکام و حقایق دین (مانده، آیات ۴۱ و ۴۲)، بی‌توجهی به بیبوابان و مساکین و ترک تلاش در اختیار دارد، بلکه در کتابخانه اش است. آیات ۱۷ تا ۲۰)

مراتب حضور

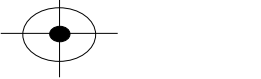
واژه حضور بارها در آیات قرآنی به اشکال گوناگون به کار رفته است.(بقره، آیات ۱۳۳ و ۱۸۰؛ نساء، آیات ۸ و ۱۸ و آیات دیگر) از مهم‌ترین کاربردهای آن، حضور اعمال انسانی در روز قیامت است.(آل عمران، آیه ۱۳۰؛ تکویر، آیه ۱۴)
واژه حضور در برابر غایب به کار می‌رود. انسان می‌بایست خود را در محضر خداوند بماند. این مفهوم از حضور را می‌توان از واژگان دیگری چون شهید به دست آورد. پس مفهوم شهود با مفهوم حضور نزدیک است. علم حضوری بر همین اساس علم شهودی گفته اند؛ زیرا حاضر و مشهود آدمی است. از آیات قرآنی به دست می‌آید که انسان باید بداند خداوند شاهد اوست و او در برابر خداوند حاضر است.(حج، آیه ۱۷)

البته حضور واقعی آن است که انسان از آن چیز غافل نباشد؛ زیرا برخی از چیزها در برابر انسان حاضر است ولی انسان از آن غافل است. از این رو، گاهی هر دو حاضرند و از هم غفلت ندارند؛ گاهی یکی حاضر و دیگری غایب است.

حضور عندی و حضور لدنی

از مهم‌ترین مراتب حضور می‌توان به حضور عندی و حضور لدنی اشاره کرد. در ادبیات عربی، عندی به معنی نزد من و لدنی بیش من است. گاه انسان کتابی دارد، ولی در کتابخانه او این‌روست که خداوند از حضور کسی یاد می‌کند که وی واسطه از علم لدنی خداوند بهره‌مند است. بر همین اساس، کارهایی که انجام می‌دهد از مقام لدنی الهی است، در حالی کارهای حضرت موسی(ع) از مقام عندی الهی است.(علمانه من لدنا علما؛ کهف، آیه ۶۵)

حضرت خضر(ع) به سبب همین جایگاه است که قتلی انجام می‌دهد و نوح‌وحی را می‌کشد و جانش را می‌گیرد(مکه، آیه ۷۴)؛ او در این مقام همانند فرشتگانی عمل می‌کند که مامور جان‌گیری و همانند ملک الموت و عزرائیل است، زیرا ولی الله است، و وقتی در این مقام جان می‌گیرد گویی ملک الموت یا خدا جان شخص را گرفته است؛ زیرا ولی‌الله در مقام لدنی، عین الله و پدالله است و وقتی تیری می‌نزدارذ، خداوند به دست او تیری می‌افکند و او تنها واسطه است چنانکه ملک الموت یا فرشتگان گیرنده جان‌ها، واسطه هستند.(انفال، آیه ۱۷)



۲۴: فجر، آیات ۱۸ و ۱۹)، دنیاگرایی و آخرت‌گریزی (بقره، آیات ۹۴ تا ۹۶) و ریشخند دیگران (همزه، آیات ۱ و ۲) اشاره کرد.

از پیامبر(ص) نقل شده که حرص در کنار خصلت‌های دیگر، ریشه گناهان است. رسول‌الله(ص) فرموده است: ایاکم و الکبر فان ابلیس حمله الکبر علی ان لایسجد لامم و ایاکم و الحرص فان آدم حمله الحرص علی ان تاکل من الشجره و ایاکم و الحسد فان بنی آدم انقل قتل احدهما صاحبه حسدا فین اصل کل خطیئه؛ از تکبر دوری گزینید، که کبر شیطان را وادار کرد که بر آدم سجده نکند (و حال آنکه دستور خدا بود)
واز حرص و آز دوری کنید زیرا همین صفت باعث شد که آدم از میوه درخت (ممنوعه) بهره گیرد و از حسد بهره‌یزید که علت کشتن یکی از فرزندان آدم دیگری را، حسد بود. و (بدانیت) که این سه، ریشه و اساس هر خطا و گناهی است. (نهج‌الفصاحه)

همچنین از دیگر آثار حرص، نومیدی و غم است. امام باقر(ع) فرمود:

معارف Maaref@Kayhan.ir

* اگر حرص در امور و کارهای مادی و دنیوی، ردیلت و پستی است، ولی در امور معنوی و اخروی یکی از کمالات است.

علیکم بالمؤمنین روفو رحیم؛ به یقین رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنجهای شما بر او سخت است و اصرار بر هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان رؤف و مهربان است.» (توبه، آیه۱۲۸)

۲- علم و دانش: امام صادق(ع) می‌فرماید: «منهوامن لایسبحان: منهوم علم و منهوم دنیا؛ دو آزمندند که هرگز سیر نمی‌شوند: آزمند دانش و آزمند دنیا.» (میزان‌الحکمه، ری شهری، ج ۳، ص۲۴). نیز می‌فرماید: المؤمنن لاه قوه فی دین… و حرص فی فقه؛ مؤمن در دین خود نیرومند است و در فقه دین آزمند. (میزان‌الحکمه، ج ۳، ص ۲۷)

گفتاری پیرامون راه‌های درمان حرص و آز



۱- جهل و نادانی: از مهم‌ترین علل و عوامل حرص بر دنیا جهل و نادانی بشر نسبت به حقیقت هستی و زندگی دنیا است. کسانی که نسبت به هستی، شناخت و دانشی ندارند، گرفتار حرص و آز نسبت به دنیا و جمع‌آوری مال و تأمین مفهوم سعادت و خوشبختی در دنیا می‌شوند. (طه، آیات ۱۲۰ و ۱۲۱)

۲- پندارهای باطل: پندارهای باطل چون پایداری و جاودانگی در دنیا و توهم سلطنت جاودانه از جمله علل و عوامل حرص و آزمندی در انسان است. (همان آیات و نیز همزه، آیات ۲ و ۳)

۳- وسوسه‌های شیطانی: از دیگر علل حرص در انسان می‌توان به وسوسه‌های شیطانی ابلیس و یارانش اشاره کرد. (بقره، آیات ۲۵ و ۲۶؛ اعراف، آیات ۲۰ و ۲۲)

۴- ظلم: ستم‌پیشگی و ظلم موجب می‌شود که انسان گرفتار حرص شود. (بقره، آیات ۹۵ و ۹۶)

۵- نومیدی از آخرت: امید نداشتن به حیات آخرت، زمینه‌ه حرص به زندگی دنیاست. (بقره، آیه ۹۴ تا ۹۶)

۶- بدگمانی به خدا: رسول(خداص) به امام علی(ع) فرمود:اعلم یا

علی‌ان الجبن و البخل و الحرص غریزه واحد-یجمعها سوءالظن: ای علی! بدان که ترسویی و بخل و آزمندی یک سرشند و ریشه آنها بدگمانی به خدا(است.)» (میزان‌الحکمه، ج ۳، ص ۲۶)

۷- شک و بی‌اعتمادی به خدا: علی(ع) درباره این علت و عامل حرص در انسان‌ها فرموده است: علی‌الشک و قله‌الثقه بالله بنی الحرص و الشح؛ بنای آزمندی و بخل شدید بر شک و کم‌اعتمادی به خدا استوار است.» (میزان‌الحکمه، ج ۳، ص ۲۶)

۸- ضعف دین: از دیگر علل و عوامل حرص می‌توان به سستی در دین و دینداری اشاره کرد. امیرمومنان علی(ع) می‌فرماید: «شده الحرص من قوه الشره و ضعف الدین؛ آزمندی زیاد، ناشی از نیروی سیری‌ناپذیر و سستی دین است.» (میزان‌الحکمه، ج ۳، ص ۲۶)

راه رهایی و درمان حرص

حال که علل و عوامل حرص شناخته شد، می‌توان به درمان آن پرداخت و با تغییر در علل و عوامل، کاری کرد که انسان به جای حرص نسبت به دنیا اهل قناعت شود و حرص و آزمندی‌اش به مسایل معنوی و اخروی سوق داده شود.

معنا که کارهایی چون انفاق که ضد بخل است می‌تواند زمینه حرص و آزمندی را در انسان از میان بردارد و ریشه آن را بخشکاند.

در آیات قرآنی اموری چون ایمان (حشر، آیه ۹)، توجه به ربوبیت و رازقیت خداوند (طه، آیه ۱۳۱)، عقیده به معاد و رستاخیز (معارج، آیات تا ۱۹ تا ۲۶)، انفاق (همان)، نماز (همان و نیز طه، آیه ۱۳۲)، ترس قبل‌ی النساء و لو حرصتم؛ شما هرگز نمی‌توانید (از نظر عاطفی و محبت دینی) در میان زنان عدالت برقرار کنید هرچند کوشش نماییز.» (سوره نساء، آیه۱۲۹)

یعنی مردی که دارای چند همسر است شاید از نظر عدالت ظاهری مانند تقسیم زمان و تنظیم برنامه خانوادگی، پوشش و لباس، خورد و خوراک و مانند آن بتواند عدالت را انجام دهد لکن از لحاظ میل و محبت قلبی این کار آسان نیست و بلکه امری غیرقابل عمل است. البته این نوع

* وقتی به پیرامون خود می‌نگریم در می‌یابیم که حرص و آز، ما و دیگران را به چه کارهایی که وانمی‌دارد. انواع خطر کردن‌ها، ظلم و ستم به دیگران، بی‌عدالتی‌ها، غارت و چپاول اموال، رشوه و ربا و اختلاس، حرام‌خواری‌ها، انواع اقسام گناهان و جرم‌ها ریشه در حرص آدمی دارد. خساست، بخل و بسیاری دیگر از ذرایل اخلاقی نیز از این صفت آدمی برمی‌خیزد.

از عدم عدالت شاید اختیاری هم نباشد و نگوئشی هم نخواهد داشت.
۵- رقابت مثبت: در امور خیر پیششام بودن و جلوداری کردن امری شایسته است، حرص در این گونه امور هم حرصی پسندیده است. امام باقر(ع) فرمود: «لاحرص کالمناصفه فی‌الدرجات؛ هیچ حرصی چون رقابت برای رسیدن به درجات (عالی) نیست.» (میزان‌الحکمه، ج ۳، ص ۲۷)
۶- حرص بر انجام واجبات: امام علی(ع) فرمود: «ان کنت حریما علی استیفاء طلب المضمون لک، فکن حریما علی اداء المفروض علیک؛ تو برای به چنگ آوردن آنچه رسیدنش به تو ضمانت شده است (روزی) حرص می‌زنی، در انجام آنچه بر تو واجب شده است نیز حرص باش.» (میزان‌الحکمه، ج ۳، ص ۲۷)

حرص و آز ناپسند که گرایش به دنیا و امور مادی است، دارای علل و عواملی است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

چنان که گذشت، حرص به معنای شدت گرایش و علاقه به چیزی است به‌طوری که آرزو دارد به هر شکلی شده آن را به دست آورد. اگر حرص در امور و کارهای مادی و دنیوی، ردیلت و پستی است، ولی در امور معنوی و اخروی یکی از کمالات است. پس باید گفت که حرص بر دو گونه است:
۱- حرص محمود و پسندیده که در امور معنوی و اخروی است،
۲- حرص مذموم و ناپسند که در امور مادی و دنیوی است. در اینجا به برخی از مصادیق حرص پسندیده اشاره می‌شود:

۱- هدایت: خداوند خطاب به پیامبر(ص) می‌فرماید: و ما اکثر الناس لو حرص بمؤمنین؛ و بیشتر مردم –هر چند آرزومند باشی– ایمان آورنده نیستند. (یوسف، آیه۱۰۳) و یا در جایی دیگری می‌فرماید: ان حرص علی هناهم فان الله لای یهدی من یشل و ما لهم من ناصرین؛ اگرچه بر هدایت آنان حرص ورزی، ولی خدا کسی را که فرو گذاشته است هدایت نمی‌کند، و برای ایشان پاری‌کنندگانلی نیست. (نحل، آیه۳۷)؛ یا در جایی دیگر می‌فرماید: «لقد جانکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حرص



همه چیز برای خدا

رَوَى عَنْ عَبْدِ اَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: اَفْضَلُ الْمُؤْمِنِينَ اِيْمَانُ مَنْ كَانَ لَهُ اِحْذَهُ وَ عَطَاةٌ وَ سَخَطَةٌ وَ رِضَاَةٌ^(۱)

حضرت امیر المؤمنین علی(ع) فرمودند: بهترین مؤمنان کسی است که استفاده از نعمت‌های الهی، بخشش، غضب و خشنودی او برای خداوند باشد.

شرح حدیث: برترین و با فضیلت‌ترین شخص از بعد ایمانی در میان مؤمنین کسی است که دارای چهار صفت باشد. ایمان دارای مراتب و درجاتی است و در روایات آمده است که مانند نردبان ده پله دارد.

انسان در امور مادی، هم چیزهایی را می‌گیرد و هم عطا و بخشش می‌کند. البته این داد و دهش‌ها تنها امور مادی و پول نمی‌باشد؛ بلکه خیلی گسترده است؛ امور معنوی، اعضا، جوارح، نیرو و … تمامی برای خداوند باشد. از آن طرف هم خشم، عصبانیت و خشنودی او هم برای خداوند باشد، یعنی هیچ هوای نفسی در این‌ها دخالت نداشته باشد.

چنین انسانی در دنیا محور کارهایش خدا می‌شود و هیچ وقت برای امور دنیایی مال، مقام و… عصبانی نمی‌شود. این دعوها، کشمکش‌ها، درگیری‌ها، اضطراب‌ها، نگرانی‌ها و جدال‌ها نشانهٔ این است که دارای نقص ایمان است. یک نکته مهم در باب نعمت‌ها داریم که اگر خداوند نعمتی عطا نمود، انسان خوشحال شود برای اینکه خدا آن را به من عطا کرد و شکر نعمت کند؛ البته نه برای اینکه پول داده است؛ زیرا مالی که کنارش یاد و ذکر خداوند که مُنعم حقیقی است نباشد، آن مال، وبال است و نه تنها نعمت نیست بلکه نعمت است.

۱۱غزالحکم و درر الکلم، صفحه ۹۰، شماره۱۵۴۸

* پایگاه اطلاع رسانی آیت‌الله شیخ مجتبی تهرانی(ره)

شنبه ۲۸ مرداد ۱۳۹۳
سه شنبه ۱۴۳۵ – شماره ۲۰۸۵۰



چراغ راه

رابطه صبر با پیروزی

قال الامام علی(ع): «من ركب مركب الصبر، اهتدى الى ميدان النصر»

امام علی(ع) فرمود: «کسی که بر مرکب صبر سوار شود، به میدان پیروزی خواهد رسید.»^(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۹۶



رمز رفعت مقام

خداوند به حضرت موسی(ع) وحی فرستاد که این مرتبه برای مناجات که آمدی کسی را همراه خود بیاور که تو از وی بهتر باشی (یعنی او از تو پست‌تر باشد)
موسی(ع) برای پیداکردن چنین شخصی تفحص کرد و کسی را نیافت، زیرا به کسی که می‌گذشت، جرأت نمی‌کرد که بگوید من از او بهترم. خواست یکی از حیوانات را ببرد. به سسگی که مریض بود برخوردکرد، با خود گفت این را همراه خود خواهم برد. ریسمان به گردن سنگ انداخت و مقداری او را آورد ولی بعد پشیمان شد، و او را رها کرد و تنها به پارگه پروردگار آمد.

خطاب رسید، فرمانی که به تو دادم چرا اجرا نکردی؟ (وکسی را همراه خود نیاوردی)

عرض کرد: پروردگار!نیافتم کسی را که از خودم پست‌تر باشد.

خطاب رسید: به عزت و جلالم اگر کسی را می‌آوردی که او را پست‌تر از خود می‌پنداشتی ره آینه نام تو را از طومار انبیاء محو می‌کردم.»^(۱)

۱- داستان‌های پیامبران



پرسش و پاسخ

تفاوت لذت‌های مادی و معنوی

انسان دوگونه لذت دارد، یک نوع لذت‌هایی است که به یکی از حواس انسان تعلق دارد، که در اثر برقراری نوعی ارتباط میان یک عضو از اعضا، با یکی از مواد خارجی حاصل می‌شود، مانند لذتی که چشم از راه دیدن، گوش از راه شنیدن، دهان از راه چشیدن و لامسه از راه تماس می‌برد.

نوع دیگر، لذت‌هایی است که با عمق روح و وجدان آدمی مربوط است و به هیچ عضو خاص مربوط نیست و تحت تاثیر برقراری رابطه با یک ماده بیرونی حاصل نمی‌شود، مانند لذتی که انسان از احسان و خدمت، یا از محبوبیت و احترام و یا از موفقیت خود یا موفقیت فرزند خود می‌برد، که نه به عضو خاص تعلق دارد و نه تحت تاثیر مستقیم یک عامل مادی خارجی است.

لذات معنوی، از لذات مادی، کم قوی‌تر است و هم دیرپاتر. لذت عبادت و پرستش خدا برای مردم عارف حق‌پرست، از این گونه لذات است. عبادان عارف که عبادتشان توأم با حضور و خضوع و استعراق است، بالاترین لذت‌ها را از عبادت می‌برند. در زبان دین، از «طعم ایمان» و «حلاوت ایمان» یاد شده است. (یا من ذکره حلوا، (اللهی اذقنی حلاوه ذکرک) ایمان حلاوتی دارد فوق همه حلاوتها. لذت معنوی، آن‌گاه مضاعف می‌شود که کارهایی از قبیل کسب علم، احسان، خدمت، موفقیت و پیروزی از حس دینی ناشی گردد و برای خدا انجام شود و در قلمرو «عبادت» قرار گیرد^(۱)

۱- شهید مرتضی مطهری(ره)، انسان و ایمان، ص ۴۳



سلوک عارفانه

حق‌الیقین کمال غایبی سالک

(بدان ای سالک عزیز!) برای یقین سه مرحله ذکر شده است: علم‌الیقین، عین‌الیقین و حق‌الیقین. مرحله ادانی آن علم‌الیقین و اعلای آن حق‌الیقین است. در علم‌الیقین معلوم، محقق و مبین شود، و در عین‌الیقین معلوم مشاهده و رویت شود و در حق‌الیقین رسم دویی از بین می‌رود و عالم و معلوم یکی می‌شوند.

در سیر به سوی کمال، یقین برای سالک همچون مرکبی است که با آن طی طریق می‌کند، یقین سالک را از نقص به کمال و از حیوانیت به عالم انسانیت سوق می‌دهد. تحصیل یقین برای عامه مشکل‌تر امیر و برای خاصه در راه سلوک اولین قدم است، یعنی آخرین قدم عامه و اولین قدم خاصه است.

علم‌الیقین مرحله اول از یقین است که از قرآن، اخبار و روایات با استدلال کسب می‌شود درجه دوم عین‌الیقین بی‌نیازی از استدلال و رسیدن به مقام استدراک و شهود است. درجه سوم حق‌الیقین استکشاف نور حقیقت و ظهور انوار کبریایی الهی و واقع شدن در مقام جمع است به سبب فنای سالک در حق‌الیقین و رهایی او از قید یقین. تجلیات آثاری، افعالی و ذاتی حق متعال سالک را به مرحله کمال از یقین که حق‌الیقین باشد می‌رساند.^(۱)

۱- مقامات معنوی، روشن بینا، ج ۲، ص۱۲۳